

۱۵۴۴۴۶۹

۹۳/۱۰/۱۷

هرمان هسه

خبر عجیب
۹
حکایات غریب

محمد بقائی (ماکان)



انتشارات تهران

اخبار عجیب و حکایات غریب

هرمان هسه

ترجمه محمد بقایی (ماکان)

چاپ چهارم، ۴۰۰ نسخه، ۱۳۹۶

ناظر چاپ علی رضا دوستی

استگرافی چاپ بیا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۰۰۶-۱۱-۹

تهران، خیابان پاسداران، چهارراه پاسداران شماره ۴۱۴ - صندوق پستی: ۴۸۷-۱۹۵۸۵

تلفن‌های انتشارات: ۲۲۵۴۵۲۱۹، ۲۲۷۶۰۶۹۸، ۲۲۷۰۰۰۹۰ تلفکس: ۲۲۵۶۹۸۰۱

تلفن‌های مرکز پخش: ۶۶۹۷۴۱۷۷، ۶۶۹۷۴۱۷۸

کلیه حقوق چاپ و نشر اثر برای انتشارات تهران محفوظ است

هسه، هرمان، ۱۸۷۷-۱۹۶۲. Hermann

اخبار عجیب و حکایات غریب/ هرمان هسه، مترجم: محمد بقایی (ماکان).

تهران: انتشارات تهران، ۱۳۷۰.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۰۰۶-۱۱-۹

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فنی.

عنوان به انگلیسی: Shange news from another star and other lates

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. داستان‌های آلمانی. قرن ۲۰ م. الف. بقایی ماکان، محمد، ۱۳۲۳، - مترجم.

ب. عنوان ج. عنوان: خبرهای عجیب از ستاره ای دیگر.

۸۳۳/۹۱۴

۲۳/هـ ۵

۰ م ۷۰-۱۰۲۴

۱۳۷۰

کتابخانه ملی ایران

قیمت: ۲۰۵۰۰ تومان

Strange News from Another Star

AND OTHER TALES

HERMANN HESSE

TRANSLATED BY DENVER DUDLEY



JONATHAN CAPE

THIRTY BEDFORD SQUARE LONDON

صفحه:

فهرست داستانها

۱۵
۶۳
۷۹
۹۵
۱۲۹
۱۴۳
۱۷۱
۲۱۱

آگوستوس ☐
شاعر ☐
روای فلون ☐
اخبار عجیب ستاره‌لی دیگر ☐
مذرگاه دشوار ☐
توالی يك رويا ☐
فالدوم ☐
زنبق ☐

مقدمه‌ی مترجم

کتابی که تحت عنوان « اخبار عجیب
و حکایات غریب » پیش رو دارید در سال ۱۹۱۹
به رشته‌ی تحریر درآمده است ، یعنی زمانیکه
هرمان سه ساله است ، نیمی از عمرش را پشت سر
گذاشته و از روز ۲۰ سالگی می‌گذشت .

تا این زمان نزدیک به بیست و پنج اثر
از او منتشر شده بود که برخی از آنها نظیر
پی‌تر کامزیند ، تیزهوش ، گرتود و دونا و دیمیان
از شهرت چشمگیری برخوردار شده و دیگر
آثار معروف سه که حاصل نیمی دوم عمر او
می‌باشند عبارتند از :

آخرین تابستان کلینگزور ، میذارتا ، گرگ بیابان ،
فرگس دوزین دهن ، سفر به شرق ، و بازی مهره‌های
شیشای که جایزه نوبل را نصیب او کرد .

هسه نزدیک به هفتاد اثر از خود
به یادگار گذاشت که در همه‌ی آنها تفحصی
دارد در ظرائف روح انسان برپایه‌ی تفکری
که زادگاهش شرق است؛ یعنی اشراق و درون -
نگری که پیوسته ذهن عارفانه‌ی او را به خود
مشغول داشته بود.

در خانواده‌ی بسیار مذهبی که
به آئین پارتیان رده‌اند چشم به جهان گشود؛
نوجوانی چهارده ساله بود که خانواده و مدرسه
را توأمان رها می‌ساخت و قلم به عرصه زندگی
می‌گذازد. محیط‌خانه برای او که مادرش را در
کودکی از دست داده بود، جایزه‌ی نداشت
و مدرسه دینی نیز با سختگیریهای بی‌مروت و بنی
برای اندوختن علم مرده ریگ بر نمی‌انگاشت،
از اینرو پای به عرصه زندگی گذاشت، مدنی
مکانیکی و قفل سازی پیشه کرد و بعد در
کتابفروشیهای مختلف به کار پرداخت - حرفه‌ی
که در آن ایام اکثر کسانی که شوق نوشتن در
سر داشتند بدان روی می‌آوردند.

پنج سال پس از این ایام آثارش یکی پس از دیگری منتشر می‌شود که در هر یک از آنها هاله‌ئی از زندگی خود او وجود دارد، خمیرمایه داستانهایش از تجربه‌های است که در زندگی ایام کودکی و نوجوانی داشته؛ پی‌تر کامتینند را که در سال ۱۹۰۴ منتشر می‌سازد رمانی است که به جوانان و تعلیم و تربیت مربوط می‌شود و در آن مبارزه و ایستادگی کودکان را در برابر والدین مطرح می‌سازد، دو سال پس از انتشار این رمان، تیزهوش را منتشر می‌کند که قالب اصلی این داستان نیز از همان تجربه‌های کل می‌گیرد. در این رمان زندگی پسر مدرسه‌ای با استعدادی به تصویر کشیده می‌شود که خواسته‌هایش در هیچ جهتی جامعه عمل نمی‌پوشد و از پدر، مادر و مردان مدرسه جز خشونت و بی‌توجهی نمی‌بیند. یعنی آنچه که در نوجوانی بر خود نویسنده رفته است.

نخستین ازدواج او پس از پانزده سال

به شکست می‌انجامد. این زندگی خالی از محتوا که از کوچکترین شور و شوقی تهی است و هیچگونه حس و حالی در آن راه ندارد، طرح اصلی رمان «والده» را شکل می‌دهد. رمان مذکور شرح حال گونه‌ایست از نقاشی معجزه و بر آوازه به نام پوهان که مثل همه‌ی هنرمندان، «مساز بسا عزلت است و مانوس با غوغای روز» خانه‌ی او برایش در حکم قفس است. اما زندگی، غم‌آلوده‌ی او سرانجام به‌رهائی از ایسر زنستان می‌انجامد و نقاش راهی شرق می‌شود محرک آنجا «فضائی تازه، پاک و بدور از رنج و زشتی، بیابان».

توجه همه به شرق به موجب خشم‌ناکی و زیر بنای فکری او که مایه‌ی ما بعدالجبلی دارد مربوط می‌شود. پدر بزرگش «هرمان - گوندورت» واجدادش از ادبای صاحب نام و از شرق‌شناسان معروفی بودند که در مورد فرهنگ و تمدن‌ها تحقیقات وسیعی انجام داده و در آنجا مرکز بزرگی به این منظور ایجاد کرده بودند

و شرق را خوب می‌شناختند و به فرهنگ پربار
آن عشق می‌ورزیدند .

عشق «گوندروت» به شرق به دخترش
«ماری هسه» نیز منتقل شد تا آنکه در نوه‌اش
هرمان هسه به شکوفائی رسید .

از میان نویسندگان بزرگ غرب
اونیز مثل آندره ژید - که هم مذهب و هم زمان با
او بود - به شرق و اندیشه‌های متبلور آن عشق
ورزید .

هسه رساله سال ۱۹۱۱ یعنی در ۳۴ سالگی
راهی هند می‌رود تا شرق را از نزدیک حس
کند، این سفر شگرتی عشق و دقیق رادزمینه‌ی
تضادهای جهان معاصر را در او وجود می‌آورد
و دلبستگی او را به فلسفه و عرفان شرق به اوج
می‌رساند . روح لطیف و ذهنیت او که آن زمان
بیش از پیش صحنه‌ی عرفان شرق می‌گشت ، با
قدرت طلبی نظامی آلمان در سال ۱۹۱۴ - که
جنگ جهانی را سبب می‌شود - نمی‌سازد .
به سوئیس می‌رود و به همراه رومن رولان

نوشته‌هایی تند و بی‌باکانه علیه جنگ افروزان
منتشر می‌کند و علاوه بر این سردبیری دوروزنامه
را هم برای زندانیان جنگی آلمان عهده‌دار
می‌شود.

در سال ۱۹۲۲ بار دیگر هوای شرق
ی کوه، کتاب معروف می‌زادتا را که آن هم
شرح زندگی فرد اوست در این ایام می‌نویسد
که مثل دیگر آثارش تلاش روانکاوانه‌ی او را
برای حل تضادهای درونی انسان منعکس می‌سازد.
در سال ۱۹۲۷ داستان گرگ بیابان را
که آمیزه‌ای از عرفان و تخیل است به چاپ
می‌سپارد و در ۱۹۳۰ نوگس و دزدین را منتشر
می‌کند که بخش ادبی نیویورک تایمز آن را
بزرگترین رمان هسه عنوان می‌دهد. ولی سوز
شاهکار هسه به وجود نیامده است. دمیان که در
سال ۱۹۱۹ نوشته شد اعتبار فراوانی به قلم او
بخشید و نامش را در جهان پر آوازه ساخت، اما
بازی مردان پشته‌ای که در سال ۱۹۴۳ از او
منتشر می‌شود نظر داوران جایزه ادبی نوبل را

به خود می‌کشاند و در سال ۱۹۴۸ برنده‌ی این جایزه می‌شود.

هسه به سال ۱۹۶۲ اندکی پس از ۸۵ سالگی چشم از جهان فرومی‌بندد، اما کتابهای او هنوز از جمله پرفروشترین آثار ادبی جهان به شمار می‌آیند.

هسه در کتاب حاضر - که از هشت داستان شکل گرفته است - آدمیان را از زوایای مختلف می‌بیند. خواسته‌ها و امیالشان را در بوته نقد می‌گذارد، سپس آنها را در قالبی که در آن واقعیت امیال و وطنز به هم آمیخته‌اند به عیان می‌نمایاند. آدمهای این حکایات همه تجسم امیال و ظرائف روح انسانند. نویسنده در داستانهای این کتاب مثل بسیاری از نوشته‌هایش برای بیان اندیشه‌های خود به زبان واقعیتها نمی‌پردازد بلکه همیشه به عالمی دیگر در جهان تخیل نقب می‌زند و حقیقتی را که به دنبال آنست نهایتاً از طریق اشراق عرضه می‌کند و این احساس عمیق را به خواننده‌ی خود منتقل می‌سازد که در پس این ظواهر چیزی هست.

آنچه که می‌توان گفت ارتباط اصلی و رگی مشترک داستانهای این کتاب است. همه در اکثر داستانهای این کتاب ما را به این نتیجه می‌کشاند که همه از يك كل جدا شده‌ایم و باز به او باز می‌گردیم و این گویای چیزی جز همان اندیشه‌ی واحد و رجوع در عرفان شرق نیست - آنچه که هست تا این عمرش بدان معتقد ماند. از اینرو در جای - نای داستانهای این کتاب با کلماتی نمادین همچون « زائنه اصلی » ، « دروازه‌ی روح » ، « وطن حقیقی » و مانند اینها روبرو می‌شویم که همه مبین اعتماد به جهان دیگر و مابعدالطبیعه است .

تطبیق اندیشه‌های همه با افکار حکمایان بزرگ ما، قرابت افکارشان را روشن می‌سازد. به عقیده‌ی او نیز هر کس جهان را بدانگونه که می‌بیند وصف می‌کند و آخر الامر بی‌آنکه به کنه حقیقت دست یابد ، افسانه‌ئی می‌گوید و در خواب می‌شود. این نتیجه‌ئی است که در سفر به شرق بدان می‌رسد و در بعضی از

داستانهای کتاب حاضر نیز اشاره‌ئی ضمنی به این نکته دارد. اما اندیشه‌ئی را که در این کتاب بیشتر بدان می‌پردازد و به‌خواننده القاء می‌کند مثالی بودن این عالم است که آنرا جلوه‌ئی از حقیقت اصلی می‌داند، بازتاب نوری که منشاء آن جای دیگری است. شاید او هم مثل برخی از عرفای ما، در باب مسأله‌ی جاودانگی به‌جهانی متقدم است که اصلی، ازلی و واقعی است زیرا او در بساطت از آثارش از جمله در این کتاب حقیقت واقعی را در جهان محسوس نمی‌بیند، و همه‌ی حرفش نیز سخن مولوی که :

مرغ بر بالا پران ، ساسه‌اش

می‌دود بر حال پران مرغ و ش

ابله‌ی ، صیاد آن سایه‌ی خرد

می‌دود چندانک بسی‌ایب و د

بی‌خبر کلان عکس آن مرغ هواست

بی‌خبر کی اصل آن سایه‌ی کجاست

تیراندازد به سوی سایه او

ترکشش خالی شود از جسنجو

این نکته یکی از رایج‌ترین مضامین
عرفانی است که ریشه‌ی آن در تمثیل غار افلاتون
است. مضمونی که سه در انتهای هر يك از
داستانهای این کتاب با کنار هم قرار دادن
«واقعیتها» و «نقشها» به نوعی مطرح می‌سازد.

محمد بقالی